

ORIGINAL ARTICLE

Discovery and Disclosure and it's Scope in Civil Procedure of Iran and America

Mohammad Bagheri¹ 

1. PHD in Private Law, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Correspondence:
Mohammad Bagheri
Email:
Mohammad.bagheri@hafez.shirazu.ac.ir

Received: 07/Jan/2024
Revised: 13/Mar/2025
Accepted: 09/Sep/2025
Published: 22/Sep/2025

How to cite:

Bagheri, M. (2024). Discovery and Disclosure and it's Scope in Civil Procedure of Iran and America, *Civil Law Knowledge*, 14 (1), 103-118.
(DOI: [10.30473/clk.2025.73212.3325](https://doi.org/10.30473/clk.2025.73212.3325))

ABSTRACT

The issue of providing evidence in civil proceedings has always been of great importance, and in this regard, according to an ancient and comprehensive rule, the burden of proof is on the claimant, however, sometimes a person invokes an evidence that is in the possession of the other party or a third party. In this hypothesis, the mechanism of discovery and disclosure can be used in order to obtain an evidence, in fact, disclosure of evidence is a process whereby at the request of one of the parties to the lawsuit, the other party or a third party is obliged to provide evidence and information related to the lawsuit that it owns, controls, or possesses, in favor of the applicant. Now, the issue is whether a person is obliged to provide and disclose any evidence he has, or whether there is a restriction and limitation in this regard. In American law, although the scope of disclosure of evidence is widely accepted and the Federal Rules of Civil Procedure allows a wide range of information, the disclosure of evidence will not be without exceptions and limitations, because some information and evidence have been excluded from the scope of disclosure. for example, information exchanged between the lawyer and the client has been excluded from the discovery of evidence. In Iranian law, as in American law, there are some of these restrictions, for example, Article 30 of the Law on Advocacy, which prohibits a lawyer from disclosing client information.

KEYWORDS

Provide Evidence, Disclosure, Disclosure Exceptions, Immunity of Evidence.



«مقاله پژوهشی»

افشای دلیل و محدوده آن در دادرسی مدنی ایران و آمریکا

محمد باقری^۱

۱. دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

نویسنده مسئول:

محمد باقری

رایانامه:

Mohammad.baqeri@hafez.shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

چکیده

مسئله ارائه دلیل در دادرسی مدنی همواره از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است و در این زمینه به موجب یک قاعده کهن و فراگیر، بار اثبات ادعا بر عهده مدعی است. با این حال گاه شخص به دلیلی استناد می‌کند که در اختیار طرف مقابل یا شخص ثالث است. در این فرض جهت دستیابی به دلیل می‌توان از مکانیسم افشای دلیل بهره جست. در واقع، افشای دلیل فرایندی است که به موجب آن به درخواست یکی از طرفین دعوا طرف مقابل یا شخص ثالث ملزم می‌شود ادله و اطلاعات مرتبط با دعوا را که در مالکیت، کنترل یا تصرف دارد، به نفع متقاضی ارائه کند. حال موضوع این است که آیا شخص هر دلیلی را که در اختیار دارد ملزم به ارائه و افشای آن است یا محدودیت و معافیتی در این خصوص وجود دارد. در حقوق آمریکا با اینکه محدوده افشای دلیل به طور گسترده پذیرفته شده است و آیین دادرسی مدنی فدرال طیف گسترده‌ای از اطلاعات را مجاز می‌داند، با این حال افشای دلیل بدون استثنا و محدودیت نخواهد بود؛ چراکه برخی از اطلاعات و ادله از محدوده افشا مستثنا شده‌اند؛ به عنوان نمونه اطلاعات مبادله شده در رابطه بین وکیل و موکل از شمول افشای دلیل خارج شده‌اند. در حقوق ایران همانند حقوق آمریکا برخی از این محدودیت‌ها وجود دارد؛ برای نمونه ماده ۳۰ قانون وکالت که وکیل را از افشای اطلاعات موکل منع می‌کند.

واژه‌های کلیدی

ابراز دلیل، افشای دلیل، استثنائات افشا، مصونیت دلیل از افشا.

استناد به این مقاله:

باقری، محمد (۱۴۰۴). افشای دلیل و محدوده آن در دادرسی مدنی ایران و آمریکا، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۴ (۱)، ۱۰۳-۱۱۸.

(DOI: [10.30473/clk.2025.73212.3325](https://doi.org/10.30473/clk.2025.73212.3325))

مقدمه

در حقوق ایران و مشخصاً آیین دادرسی مدنی موضوع افشای دلیل صراحتاً پیش‌بینی نشده و باب مستقلی به این مبحث اختصاص داده نشده است و تنها به صورت موردی می‌توان موادی را به‌عنوان تکلیف به همکاری برای افشای دلیل استنباط نمود. برای مثال مواد ۲۱۰-۲۱۱-۲۰۹ در زمینه ارائه اسناد است که چنانچه شخص از ارائه آن خودداری کند، دادگاه می‌تواند آن را از جمله قراین مثبت اظهار طرف دعوی قرار دهد و در ماده ۲۱۲ که تکلیف به ارائه اسناد بر عهده شخصی غیر از طرفین دعوی گذاشته شده یا در جای دیگر که پنهان و مکتوم بودن اسناد و مدارک از جهات اعاده دادرسی شمرده شده است (بند ۷ ماده ۴۲۹ آیین دادرسی مدنی). همچنین به موجب ماده ۶ قانون تجارت، کلیه تجار به استثنای کسبه جزء، مکلف به نگهداری دفاتر تجاری هستند و طبق ماده ۲۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی، چنانچه یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند، دفاتر نامبرده باید در دادگاه ارائه شود. هیچ بازرگانی نمی‌تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز یا ارائه دفاتر خود امتناع کند و در صورت امتناع دادگاه می‌تواند آن را از جمله قراین مثبت اظهار طرف قرار دهد.

با توجه به اینکه مکانیسم افشای دلیل به صراحت در حقوق ایران پیش‌بینی نشده است و نوشته‌های حقوقی اندکی در این خصوص یافت می‌شود و به تبع آن تأسیس حقوقی مذکور برای حقوقدانان و رویه قضایی چندان شناخته شده نیست، لذا ضروری است در قسمت نخست به مفهوم افشای دلیل به اختصار پرداخته می‌شود و سپس در قسمت دوم محدوده و چارچوب این تکلیف مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین با توجه به اینکه حقوق آمریکا در زمینه افشای دلیل مقررات مدونی دارد، بنابراین ضمن بررسی حقوق آمریکا به آیین دادرسی مدنی ایران پرداخته تا از رهگذر مطالعه تطبیقی معایب و نواقص احتمالی قانون نمایان شود.

مفهوم افشای دلیل

در این قسمت درصدد بررسی مفهوم افشای دلیل می‌باشیم. به همین منظور ابتدا به تعریف اصطلاح مذکور پرداخته و

به منظور حل و فصل دعوی در گام نخست لازم است که امور موضوعی مرتبط با آن شناسایی شود. به همین دلیل راه‌های جمع‌آوری ادله اهمیت ویژه‌ای دارند؛ چراکه اگر طرفین وسایل و ابزار کافی برای دستیابی به دلیل را در اختیار نداشته باشند، دادگاه نمی‌تواند امور موضوعی مرتبط به دعوی آنان را بیابد و اثبات حق با دشواری مواجه خواهد شد. در برخی موارد در دادرسی‌های مدنی، دلیلی که شخص به آن استناد می‌نماید در اختیار طرف دعوی یا شخص ثالث است. در این صورت برای دستیابی به دلایل مذکور مکانیسمی تحت عنوان «افشای دلیل» در برخی از سیستم‌های حقوقی پیش‌بینی شده است.

کشور آمریکا از کشورهای اصلی و مهم نظام کامن‌لا است که مقررات و رویه قضایی آن در خصوص افشای دلیل کاملاً به‌روز، دقیق، گسترده و در عین حال پیچیده و منحصر به فرد است؛ بخش پنجم و ششم قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا (مواد ۲۶ تا ۳۷) به موضوع مذکور پرداخته است. سیستم اتهامی ایالات متحده آمریکا در جست‌وجوی حقیقت است و انتظار می‌رود که طرفین دعوی و وکلای آنان در جریان دادرسی با حسن نیت عمل کنند و برای رسیدن به حقیقت همکاری نمایند. در راستای این هدف قوانین مربوط به افشای دلیل برای اطمینان از اینکه حل و فصل نهایی مسائل مورد مناقشه مبتنی بر درک کامل و دقیق از واقعیت‌ها باشد، طراحی شده‌اند (Summers, 1999).

مطابق تکلیف شخص به افشای دلیل، وی ملزم است که دلایل مرتبط به دعوی را حتی اگر به نفع طرف مقابل باشد، ارائه نماید. با این حال محدوده و چارچوب دلایل قابل ارائه از طریق مکانیسم مذکور، محل بحث و گفت‌وگو است؛ بدین معنا که آیا تمام ادله و اطلاعاتی را که شخص در اختیار دارد، ملزم به افشا و ارائه آن است و یا اینکه می‌تواند از ارائه برخی از ادله خودداری کند. در واقع سؤال این است که محدوده افشای دلیل به‌عنوان یک تکلیف تا کجاست؟ در حقوق آمریکا برخی از دلایل از محدوده افشای دلیل خارج بوده و شخص می‌تواند از ارائه آن خودداری کند؛ چراکه این دسته از دلایل مصون از افشا و ارائه هستند.

گفت هر دو اصطلاح از حیث معنی و کارکرد در قانون آیین دادرسی فدرال یکسان می‌باشد.

حقوقدانان آمریکا نیز تعاریف مختلف و نسبتاً مشابه از افشای دلیل ارائه کرده‌اند که به بررسی برخی از آنان پرداخته می‌شود. در یک تعریف از افشای دلیل آمده است: «افشای دلیل فرایند تبادل اجباری اطلاعات بین طرفین دعوی حقوقی است» (Glannon, 2019). همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تعریف مذکور تنها طرفین دعوی ملزم به ارائه دلیل به نفع طرف مقابل شده‌اند، درحالی‌که افشای دلیل در بسیاری از موارد «شخص ثالث» را هم دربرمی‌گیرد و وی ملزم به ارائه دلیل به نفع یکی از طرفین است.

یکی دیگر از نویسندگان افشای دلیل را این‌گونه تعریف می‌کند: «افشای دلیل فرایند شناسایی، تحلیل، ایجاد دلیل در دعوی حقوقی می‌باشد» (Scheidlin, 2009). تعریف مذکور از این حیث که افشای دلیل را فرایند شناسایی، جمع‌آوری و ارائه ادله می‌داند، صحیح است. با این حال کامل نبوده و تمامی جنبه‌های افشای دلیل را در برنمی‌گیرد.

در تعریف دیگری آمده است: «افشای دلیل مرحله پیش محاکمه است که به موجب آن یکی از طرفین اطلاعات خاصی را برای دیگری فراهم می‌کند» (Field et al., 2020). ایراد تعریف مذکور نیز عدم جامعیت است؛ بدین معنا که تنها طرفین دعوی را ملزم به افشای دلیل دانسته است، در حالی‌که تکلیف مذکور گاه بر اشخاص ثالث بار می‌شود.

اما منظور از مرحله پیش‌محاکمه مقطعی از دادرسی است که به موجب آن جلسه‌ای بین طرفین دعوی و قاضی تشکیل می‌شود و هدف از آن شناسایی مسائل حقوقی مورد اختلاف و تعیین امور غیر اختلافی و مسلم و به‌طور کلی تشویق طرفین جهت حل‌وفصل موضوع می‌باشد. این امر در ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال پیش‌بینی شده است (Bevan, 2008).

با توجه به تعاریف مذکور و با دقت نظر در آنها و با در

سپس توضیح مختصری در خصوص نحوه افشای دلیل بیان می‌شود.

با توجه به اینکه در حقوق ایران تأسیس مذکور به‌طور صریح پیش‌بینی نشده است، لذا برای تبیین بهتر موضوع نخست باید به معادل آن در زبان انگلیسی توجه کرد:

افشای دلیل معادل واژه دیسکاور (Discovery) در زبان انگلیسی می‌باشد، در فرهنگ حقوقی بلک واژه مذکور این‌گونه معنا شده است:

۱. اقدام یا فرایند کشف و یا دانستن چیزی که قبلاً ناشناخته بوده است و بعد از ثبت، مخترع می‌تواند درخواست ثبت نماید.

۲. افشای اجباری بر مبنای درخواست یکی از طرفین نسبت به اطلاعاتی که مرتبط با دعوی هستند؛ مانند مواد ۲۶ تا ۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال.

معنای اول به حوزه حقوق مالکیت فکری و ثبت اختراع مربوط است که از موضوع نوشتار حاضر خارج می‌باشد. آنچه مدنظر بوده و ارتباط بیشتری با بحث حاضر دارد، معنای دوم است که به دو جنبه مهم افشای دلیل؛ یعنی درخواست یکی از طرفین و مرتبط بودن دلیل اشاره دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تعریف اخیر مواد ۲۶ تا ۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا را به‌عنوان نمونه آورده، هرچند باید توجه داشت که مواد مذکور تحت عنوان «Discovery and Disclosure» پیش‌بینی کرده است، بنابراین ضروری است به معنای لغت «Disclosure» هم توجه شود.

در فرهنگ حقوقی بلک مقابل واژه اخیر آمده است:

۱. اقدام یا فرایند دانستن چیزی که ناشناخته بوده است؛

۲. افشای اجباری اطلاعات برای رقیب وفق مقررات آیین دادرسی مدنی «همانند مورد قبل آنچه به بحث افشای دلیل مربوط می‌شود، معنای دوم است، هرچند این تعریف به‌اندازه تعریف قبل رسا و کامل نیست که به نظر علت این است که هر دو واژه به یک معنا به کار رفته‌اند، همچنان که در فرهنگ حقوقی مذکور در مقابل واژه «Disclosure» به لغت «Discovery» ارجاع داده است، بنابراین باید

منصفه داشته باشند و به همین علت است که در حال حاضر اکثر دعاوی در ایالات متحده در مرحله پیش محاکمه خاتمه می‌یابد که این موضوع یا ناشی از صلح و سازش طرفین بوده یا اینکه دلایل و شواهد کافی برای اثبات حق وجود دارد که در صورت اخیر یکی از طرفین حسب ماده ۵۶ قانون دادرسی مدنی فدرال درخواست «رسیدگی اختصاری» را مطرح می‌کند. در واقع، زمانی که جزئیات مهم پرونده مورد مناقشه نیست و حقایق پرونده روشن باشد، برای جلوگیری از هزینه‌های اضافی و اتلاف وقت، پرونده به هیئت منصفه ارجاع نمی‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که دادرسی اختصاری نتیجه افشای دلیل به نحو مناسب و مطلوب است؛ چراکه بعد از افشای ادله حقایق موضوع اختلاف بر طرفین و قاضی روشن شده و با درخواست یکی از طرفین دعوی و با شرایط ماده ۵۶ رسیدگی اختصاری صورت می‌گیرد.

موارد مصونیت دلیل از افشا

گفته شد که افشای دلیل به‌عنوان یک تکلیف در برخی از قوانین پیش‌بینی شده است و طرفین دعوی و همچنین شخص ثالث موظف هستند که در موارد قانونی، همکاری لازم را در ارائه ادله خواسته‌شده به عمل آورند. میزان و انواع ادله‌ای که می‌توان در طی فرایند افشای دلیل جست‌وجو و درخواست کرد بسیار زیاد است؛ با این وجود مدارک و دلایلی که از طریق فرایند افشا درخواست می‌شود، باید به ادعاها و دفاعیات پرونده مرتبط باشند. همان‌طور که گفته‌اند: «دلایل در صورت تمایل به اثبات یا رد واقعیاتی که برای تعیین نتیجه نهایی دعوی ضروری است، مرتبط تلقی می‌شوند» (Anderson et al., 2005).

قانون آیین دادرسی مدنی آمریکا که موضوع بحث حاضر است، نیز افشای دلیل را محدود به اطلاعاتی می‌کند که از ادعا یا دفاع طرفین دعوی به نحو مطلوبی پشتیبانی و حمایت می‌کند. با این حال محدوده افشای دلیل در این کشور کاملاً گسترده است و قانون آیین دادرسی مدنی فدرال طیف گسترده‌ای از اطلاعات را مجاز می‌داند. در این کشور افشای دلیل به‌طور موسع تفسیر می‌شود و طرفین دعوی مدنی می‌توانند کم‌وبیش هر مدرکی که به‌طور منطقی منجر به افشای دلیل شود و پذیرفتنی باشد را

نظر گرفتن نقایص موجود در هر یک، تعریف زیر را برای افشای دلیل پیشنهاد می‌کنیم: افشای دلیل فرایندی است که به‌موجب آن به درخواست یکی از طرفین دعوی طرف مقابل یا شخص ثالث ملزم می‌شود ادله و اطلاعات مرتبط با دعوی را که در مالکیت، سرپرستی یا کنترل دارد به نفع متقاضی ارائه دهد.

در واقع، پس از آنکه خواهان به‌موجب ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال اقدام به تقدیم دادخواست نمود، فرایند دادرسی آغاز می‌شود. همچنان که ماده مذکور در این خصوص مقرر می‌دارد که دعوی مدنی با تقدیم دادخواست در دادگاه آغاز می‌شود. بعد از تشکیل پرونده طرفین ملزم هستند در «جلسه ملاقات و مذاکره» شرکت کنند، سپس به‌موجب ماده ۱۶ قانون مذکور باید نقشه و طرحی را برای افشای دلیل آماده کرده و به دادگاه ارائه دهند که در برنامه پیشنهادی مذکور طرفین ادله‌ای را که برای اثبات ادعایشان نیاز دارند در نظر گرفته و به دادگاه ارائه می‌نمایند. در مرحله افشای دلیل اساساً طرفین دعوی می‌توانند همه‌چیز را درباره پرونده قبل از مراجعه به دادگاه بدانند؛ همچنین آنها می‌توانند از طریق تبادل اطلاعات از شهود سؤال بپرسند، درخواست استجواب از طرف مقابل نمایند و خواهان ارائه اسنادی شوند که طرف مقابل می‌خواهد از آن استفاده نماید.

علت این موضوع این است که دیدگاه جدید در خصوص افشای دلیل گسترده و به‌نوعی آزادانه است و طرفین را ملزم می‌کند که تقریباً همه‌چیزهایی را که در طی یک رسیدگی به آن نیاز دارند تهیه و ارائه کنند. بند یک پاراگراف (b) ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال استاندارد گسترده‌ای را برای افشای دلیل تعیین می‌کند. در واقع هر موضوعی که مربوط به ادعا یا دفاع هر یک از طرفین باشد و به‌طور منطقی منجر به افشای ادله و شواهد قابل قبول در دادرسی شود، قاعده‌تاً قابل افشا و ارائه است. می‌توان گفت قواعد افشای دلیل به‌گونه‌ای وضع شده است که طرفین را ترغیب می‌کند تا قبل از محاکمه نسبت به پرونده و دعوی هرچه بیشتر اطلاع کسب نمایند. دادگاه نیز استدلال می‌کند که اگر طرفین قبل از محاکمه همه‌چیز را در مورد پرونده بدانند، ممکن است تمایل کمتری به طرح دعوی در هیئت

در سایر قوانین هم مواردی از استثنائات مربوط به افشای دلیل را می‌توان یافت. به‌عنوان نمونه ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ که وکیل را مکلف به حفظ اسرار موکل کرده است. بنابراین، در این مبحث ضمن بررسی مصونیت‌های افشای دلیل در دادرسی مدنی آمریکا، مطالب مربوط به حقوق ایران را نیز در پایان هر قسمت بررسی می‌کنیم.

با توجه به توضیحات مذکور محدودیت‌های افشای دلیل در سه دسته کلی مصونیت ناشی از توافق طرفین، مصونیت ناشی از قانون و مصونیت ناشی از تصمیم دادگاه بررسی می‌گردد.

۱. مصونیت ناشی از قانون

منظور از مصونیت ناشی از قانون، مصونیتی است که در قوانین مختلف پیش‌بینی شده است. در واقع، برخی موضوعات به دلیل اهمیتی که دارند از سوی قانونگذار مورد توجه قرار گرفته‌اند و قانون به‌عنوان موضوع نظم عمومی می‌خواهد از آنها حمایت کند تا در روابط اشخاص به‌صورت خصوصی باقی بماند؛ مثل رابطه وکیل و موکل، زن و شوهر، کشیش و مقرر، بیمار و پزشک که در زیر به بررسی این نوع از مصونیت می‌پردازیم.

۱-۱. مصونیت در رابطه بین وکیل و موکل

منظور از این نوع مصونیت امتیازی است که در رابطه وکیل و موکل، به موکل تعلق می‌گیرد و به‌موجب آن وکیل را ملزم به نگهداری تمام اطلاعاتی می‌کند که از جانب موکل برای وی افشا شده است. از آنجایی که این امتیاز بیش از آنکه به وکیل تعلق داشته باشد به موکل مربوط است، تنها شخص اخیر اجازه انتشار این اطلاعات را دارد. مصونیت بین وکیل و موکل از افشای اجباری ارتباطات و مکالمات کتبی یا شفاهی بین وکیل با موکل جلوگیری می‌نماید (Bevan, 2008). برای نمونه حقایقی که موکل در خصوص دعوی به وکیل خود می‌گوید، مصون از افشا خواهد بود.

در ماده «۵۰۲ قانون اثبات فدرال» دو نوع از

درخواست نماید که این میزان از حد استاندارد افشای دلیل فراتر به نظر می‌رسد؛ چراکه مواردی را در برمی‌گیرد که هرچند به‌طور مستقیم و فی‌نفسه به دعوی مربوط نمی‌شود، بلکه می‌تواند منجر به افشای دلایلی گردد که در ارتباط با دعوی می‌باشند.

با این حال افشای دلیل بدون استثنا و محدودیت نخواهد بود؛ چراکه برخی از اطلاعات و ادله از محدوده افشا مستثنا شده‌اند، مانند رابطه وکیل و موکل، رابطه پزشک و بیمار، رابطه کشیک و مقرر و غیره. در واقع، دسته‌ای از این روابط ارتباطات بین افراد خاص می‌باشد؛ یعنی کسانی که به مناسبت شغل و حرفه خود و نیازی که جامعه به آنان دارد، محرم اسرار مردم می‌شوند و اسرار شخصی و اطلاعات خود را در اختیار ایشان قرار می‌دهند. این مصونیت‌ها اغلب در قوانین مختلف پیش‌بینی شده است و قانونگذار می‌خواهد به‌عنوان نظم عمومی از آنان محافظت نماید.

علاوه بر موارد فوق، طرفین دعوی می‌توانند توافقنامه‌های رازداری را منعقد کرده و بدین‌وسیله از افشای برخی ادله و اطلاعات خودداری نمایند که این دسته از ادله، مصون از افشا و ارائه خواهند ماند. دسته سوم از محدودیت‌ها این‌گونه است که طرفین دعوی به دلایلی مانند مشقت‌بار بودن تهیه اسناد و مدارک از دادگاه می‌خواهند که دلایل خواسته‌شده از آنان را محدود نمایند که این موضوع در قالب «قرارهای محافظتی» از سوی دادگاه صادر می‌شود و تحت عنوان مصونیت یا محدودیت ناشی از تصمیم دادگاه مطالعه می‌گردند.

بنابراین، می‌توان گفت در کشور آمریکا با اینکه دامنه افشا بسیار گسترده است، اما بدون محدودیت نخواهد بود همچنان که وسعت افشای دلیل طبق بند ۱ پاراگراف (b) ماده ۲۶ با چندین امتیاز و مصونیت محدود شده است.

در قانون آیین دادرسی مدنی ایران نیز مواردی از امتیازات و استثنائات افشای دلیل را می‌توان یافت. برای مثال طبق ماده ۲۱۱ قانون مذکور چنانچه ابراز تمام یا قسمتی از سند در دادگاه خلاف نظم یا عفت عمومی باشد، رئیس دادگاه یا دادرس از جانب او در حضور طرفین آنچه را لازم و راجع به موضوع اختلاف باشد، خارج‌نویسی می‌نماید.

در این خصوص مقرر می‌دارد: «وکیل باید تلاش معقولانه‌ای برای جلوگیری از افشای سبوی یا غیرمجاز اطلاعات یا دسترسی غیرمجاز به اطلاعات مربوط به وکالت موکل انجام دهد».

ملاحظه می‌شود که وکیل در رابطه با موکل مکلف به حفظ اسرار و اطلاعاتی است که از سوی موکل در اختیارش قرار گرفته است، هرچند که تکلیف وکیل به حفظ رازداری بدون استثنا نمانده و همان‌گونه که در قانون مذکور می‌خوانیم استثنائاتی در این زمینه وجود دارد.

قانونگذار ایران نیز به موضوع حفظ اسرار موکل توسط وکیل آگاه و حساس بوده است. شغل وکالت به دلیل اینکه به صورت مستقیم با امور شخصی مردم ارتباط دارد، اهمیت ویژه‌ای داشته و در بحث تعهدات اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ در این زمینه بیان می‌دارد: «وکیل باید اسراری را که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبار موکل را حفظ نماید». ضمانت اجرای این ماده در بند دوم از ماده ۸۱ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری به این شکل آمده است: «متخلف در موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد: (بند ۲) در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشا نماید اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار موکل باشد».

لذا چنانچه وکیل دادگستری به‌عنوان شاهد در محکمه دعوت شود، می‌تواند با حفظ استقلال شغلی و تکلیف به رعایت اسرار موکل، از ادای شهادت علیه موکل خود امتناع نماید، چنانچه وکیل از تکلیف مذکور در این ماده سرپیچی کند، طبق ماده ۷۶ آیین‌نامه موصوف از سه ماه تا سه سال از شغل وکالت محروم خواهد شد که این مجازات انتظامی وکیل متخلف است. باید توجه داشت افشای اسرار موکل برای وکیل نه تنها تخلف انتظامی است، بلکه به موجب قانون مجازات اسلامی جرم بوده و مسئولیت کیفری وکیل را در پی خواهد داشت. ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی در این خصوص بیان می‌دارد: «اطبا و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود

مصونیت‌ها ذکر شده است که یکی از آنها به رابطه وکیل و موکل مربوط می‌شود و دیگری مصونیت ناشی از محصول کار وکیل است (Ibid). بند ۱ پاراگراف (g) ماده ۵۰۲ به تعریف اصطلاحات پرداخته است با این بیان که: «مصونیت وکیل و موکل به معنای حمایتی است که قانون حاکم برای رازداری وی نسبت به رابطه وکیل و موکل مقرر می‌دارد». مصونیت رابطه وکیل و موکل قدیمی‌ترین نوع مصونیت در حقوق آمریکا است. این نوع مصونیت در قوانین مختلف پیش‌بینی شده و در رویه قضایی نیز مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. در حال حاضر قانونی تحت عنوان «قانون نمونه رفتار حرفه‌ای» که در سال ۱۹۸۳ از سوی کانون وکلای آمریکا جایگزین مسئولیت حرفه‌ای شده، مواردی را در این خصوص پیش‌بینی کرده است:

ماده ۱-۶ قانون مذکور در این خصوص مقرر می‌دارد:

الف) وکیل نباید اطلاعات مربوط به وکالت موکل را فاش کند، مگر اینکه موکل آگاهانه رضایت دهد که افشای ضمنی برای انجام وکالت مجاز است یا اینکه افشای آن توسط بند «ب» مجاز دانسته شود.

ب) وکیل می‌تواند اطلاعات مربوط به وکالت موکل را در حدی که (وکیل) عقلاً ضروری می‌داند، فاش کند که موارد زیر را در برمی‌گیرد:

۱. برای جلوگیری از مرگ حتمی یا صدمه جسمی قابل توجه.

۲. برای جلوگیری از ارتکاب جرم یا کلاهبرداری از طرف موکل که مسلماً منجر به صدمه قابل توجه به منافع مالی یا دارایی دیگری شده و در نتیجه آن موکل از خدمات وکیل استفاده کرده یا از آنها استفاده می‌کند.

۳. برای جلوگیری، تخفیف یا اصلاح صدمه قابل توجه به منافع مالی یا دارایی دیگری که به‌طور منطقی نتیجه آن باشد یا ناشی از ارتکاب جرم یا کلاهبرداری موکل در ادامه این امر باشد که موکل از خدمات وکیل استفاده کرده است. همچنین در بند «ج» ماده مذکور، وکیل را ملزم می‌نماید که تمام تلاش خود را به کار گیرد تا از افشای سبوی اطلاعات نیز در امان بماند. در واقع، وکیل نه تنها از افشای اطلاعات به صورت عمدی منع شده، بلکه باید تلاش کند که در حفظ اطلاعات مرتکب تقصیر نشود. بند مذکور

طرف مقابل در یک دعوی مدنی از روند افشای دلیل برای به دست آوردن نامه‌ها، یادداشت‌ها، اسناد، سوابق و سایر موارد ملموس که با پیش‌بینی روند دعوی تهیه شده‌اند، استفاده کند. در واقع، طرف مقابل نمی‌تواند با استفاده از مکانیسم افشای دلیل، برداشت‌های ذهنی، نتیجه‌گیری‌ها، نظرات، تئوری‌های حقوقی وکیل مقابل را افشا نماید (Spahn, 2013).

در خصوص حقوق ایران نیز باید بیان نمود قانون مدنی که قانون عام و مادر در زمینه وکالت می‌باشد، مواردی را به‌عنوان تکلیف وکیل پیش‌بینی نموده است، همچنان که ماده ۶۶۷ این قانون بیان می‌دارد: «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه موکل بالصراحه به او اختیار داده یا برحسب قراین و عرف و عادت داخل در اختیار او است تجاوز نکند». همان‌طور که ملاحظه می‌شود وکیل باید در انجام اعمال حقوقی مصلحت موکل را در نظر بگیرد و عملی انجام ندهد که به زیان وی باشد؛ اذن موکل مقید بر این است که وکیل به سود او گام بردارد و چون امینی دلسوز مصلحت او را در نظر داشته باشد. وکیل دادگستری به‌عنوان یکی از اقسام وکالت مکلف به رعایت مصلحت موکل است و به همین دلیل می‌توان گفت اگر وکیل اسناد و دلایلی را در جهت دفاع از موکل فراهم نموده باشد، مصلحت موکل اقتضا می‌کند که قبل از جلسه آن را افشا نکرده و در اختیار طرف دعوی یا دادگاه قرار ندهد. به‌عنوان نمونه چنانچه ایرادات شکلی را در قالب لایحه دفاعیه فراهم نموده باشد، باید تا جلسه رسیدگی از افشا و ارائه آن خودداری نماید. در غیر این صورت می‌توان با استناد به این ماده بیان نمود که برخلاف مصلحت موکل اقدام نموده است و ممکن است از لحاظ مدنی مسئول شناخته شود.

در واقع، در قانون مدنی که قانون عام در زمینه عقد وکالت می‌باشد، تأکید شده است که وکیل باید اقدامات و تصرفات خود را در جهت حمایت از حقوق موکل خود انجام دهد. در آیین دادرسی مدنی ایران در خصوص این نوع امتیاز مقرر خاصی وجود ندارد؛ هرچند در این قانون اقرار وکیل علیه موکل خویش محدود شده است. ماده ۲۵۶ قانون

محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را فاش کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۶ میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود».

بنابراین، می‌توان گفت جامعه برخی از روابط را به اندازه‌ای ارزشمند می‌داند که حاضر است حتی هزینه‌ای از دست دادن اطلاعات مربوط به موضوع دعوا را بپردازد و در عوض از ماهیت محرمانه اطلاعات مذکور حفاظت نماید، در غیر این صورت اگر تضمینی برای حفظ محرمانگی روابطشان وجود نداشته باشد، به‌نوعی نظم و اعتماد در برخی روابط از بین رفته و آثار سوئی به‌جا خواهد گذاشت. برای مثال ممکن است افراد از مراقبت‌های پزشکی و روان‌پزشکی خودداری کنند یا کمتر از مشاوره حقوقی استفاده نمایند.

۲-۱. مصونیت محصول کار وکیل

مصونیت محصول کار وکیل به معنای محافظتی است که برای اطلاعات و داده‌های فیزیکی یا معادل غیر فیزیکی (غیر ملموس) آنکه برای دادخواست یا محاکمه فراهم شده است، از سوی قانونگذار اعمال می‌شود؛ بند ۱ پاراگراف (g) ماده ۵۰۲ قانون اثبات فدرال در این خصوص بیان می‌دارد: «مصونیت از محصول کار به معنای حفاظتی است که قانون حاکم برای موارد فیزیکی (یا معادل غیرملموس آن) که برای دادخواست یا محاکمه آماده شده است، اعمال می‌نماید».

به عبارت دیگر، این مصونیت به این موضوع اشاره دارد که اسناد و دلایل دیگری که توسط وکیل برای استفاده شخصی وی در پیگیری قانونی پرونده موکل خود فراهم نموده است، از سوی طرف دیگر دعوی یا نماینده او مصون از افشا می‌باشد. این موارد می‌تواند اظهارات مکتوب، یادداشت‌های خصوصی، شرح وقایع، برداشت‌های ذهنی، اعتقادات شخصی و هر نوع اطلاعاتی که توسط وکیل با پیش‌بینی احتمالی از جریان دعوی آماده نموده است را در برگیرد (Kerly et al., 2014).

مصونیت محصول کار وکیل مانع از این می‌شود که

در حقوق ایران حفظ اسرار حرفه‌ای به‌عنوان تکلیف برای برخی از مشاغل از جمله پزشک و وکیل پیش‌بینی شده و به تبع این تکلیف برای افشای اسرار مجازات تعیین شده است. ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد: «اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند». ملاحظه می‌شود که نه تنها پزشک، بلکه کلیه کسانی که به مناسبت شغل خود محرم اسرار مردم می‌شوند و به خاطر اعتمادی که مردم به آنان دارند گاه اسرارشان را برای آنان بازگو می‌کنند، مکلف به حفظ رازداری در حیطه شغلی خود می‌باشند. بنابراین، طبق این ماده اصل بر ممنوعیت افشای اسراری است که شخص به مناسبت حرفه خود به آنها دست می‌یابد و مکلف به رازداری در این‌گونه موارد است. همچنین ماده ۴ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته بیان می‌دارد: «شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته حق افشای اسرار و نوع بیماری بیمار، مگر به‌موجب قانون را ندارند».

۴-۱. مصونیت در رابطه بین مقر و کشیش

مصونیتی است که برای محافظت از محرمانه بودن هر ارتباطی بین کشیش و فرد مقر در صورت برقراری ارتباط معنوی توبه‌کننده، پیش‌بینی شده است. این امتیاز بیش از آنکه متعلق به کشیش باشد، به نفع مقر است؛ چراکه این مصونیت خطاها و نگرانی‌های معنوی شخص اعتراف‌کننده را در برمی‌گیرد. با این حال امتیاز مذکور از کشیشی که سوگند یاد کرده است که محتوای جلسات مشاوره را افشا نکند، حمایت می‌نماید.

مصونیت کشیش - مقر یکی از قدیمی‌ترین و شناخته‌ترین مصونیت‌ها در ایالات متحده می‌باشد؛ این امتیاز که از کلیسای کاتولیک روم سرچشمه می‌گیرد، در آمریکا برای نخستین بار در سال 1813 در یک دعوی (موسوم به *People v. Philips*) مورد حکم قرار گرفت. در این دعوی دادگاه نیویورک این‌گونه حکم داد که اجرای آزاد

مذکور در این خصوص بیان می‌دارد: «اقرار وکیل علیه موکل خود نسبت به اموری که قاطع دعوی است پذیرفته نمی‌شود، اعم از اینکه اقرار در دادگاه یا خارج از دادگاه به‌عمل آمده باشد».

با توجه به مطالب مذکور و با استناد به ماده ۶۶۷ قانون مدنی در حقوق ایران نیز مصونیت محصول کار وکیل قابل اعمال می‌باشد؛ چراکه طبق ماده مذکور وکیل مکلف است مصلحت موکل را رعایت کند. یکی از موارد حفظ مصلحت از جانب وکیل در دعوی این است که مطالب و ادله‌ای را که برای پیشبرد دعوای موکل آماده نموده است در اختیار طرف مقابل قرار ندهد تا بتواند در جلسات رسیدگی از دلایل و مطالب تهیه‌شده، بیشترین استفاده را جهت اثبات ادعای موکل خویش به کار گیرد.

۳-۱. مصونیت در رابطه بین پزشک و بیمار

این نوع مصونیت بین بیمار و پزشک وجود دارد و برای محافظت از ارتباط محرمانه بین بیمار با پزشک طراحی شده است. این مصونیت ارتباطات برقرارشده بین بیمار و پزشکان، روان‌پزشکان، دندان‌پزشکان و ... را شامل می‌شود. در واقع، این مصونیت برای محافظت از بیمار طراحی شده است؛ هرچند قوانین ماهوی کاملاً این امتیاز را به رسمیت نمی‌شناسد، اما اکنون یک رویه کاملاً شناخته‌شده است که در بیشتر حوزه‌های قضایی ایالات متحده به آن عمل می‌شود. این امتیاز برای تشویق و دلگرم کردن بیماران جهت اعتماد به برخی از متخصصان حوزه سلامت، طراحی شده است و اگرچه از این مصونیت به‌عنوان مصونیت پزشکی یاد می‌شود، اما به‌اندازه کافی گسترده است که نه تنها پزشکان، بلکه روان‌پزشکان، روانشناسان، دندان‌پزشکان و ... را در برمی‌گیرد. همچنین باید یادآور شد که این مصونیت در صورتی اعمال می‌شود که رابطه با اهداف تشخیصی، مراقبتی یا درمانی و مشاوره‌ای به‌صورت داوطلبانه صورت گیرد. بنابراین، اگر خواهان در یک دعوای حقوقی مجبور شده باشد به‌عنوان بخشی از فرایند افشای دلیل تحت معاینه جسمی یا روانی قرار گیرد، این مصونیت وجود نخواهد داشت و اعمال نمی‌گردد (Kerly et al., 2014).

۲. مصونیت ناشی از توافق طرفین

مصونیت ناشی از توافق طرفین، تراخی و توافقی است که برای حفاظت از اطلاعات محرمانه، اسرار تجاری و سایر اطلاعات محرمانه در فرایند افشای دلیل در یک دعوی حقوقی طراحی شده است که «قرارداد محرمانه» نیز خوانده می‌شود. به‌عنوان مثال در یک دعوی اسرار تجاری، صاحب راز تجاری می‌خواهد با محدود کردن افرادی که به این راز دسترسی دارند یا شرایطی خاصی که باید فاش شود از آن راز محافظت می‌کند که چنین محدودیت‌هایی را می‌توان از طریق توافقنامه اعمال کرد. در واقع، طرفین توافق می‌نمایند که برخی از دلایل از افشا و ارائه مصون بماند.

برخی از این توافقات به‌طور کامل از افشای دلایل و اطلاعات مخفی جلوگیری می‌نمایند، در حالی که گونه‌ای دیگر از این توافقات مکان و زمان خاصی را برای افشای اطلاعات مصون شده، تعیین می‌کند و برخی دیگر ممکن است حاکی از این باشند که فقط طرف‌های خاص تعیین شده در قرارداد می‌توانند در هنگام آشکار شدن موضوع محرمانه حضور داشته باشند. حتی ممکن است در قرارداد شرط شود که اطلاعات در پاکت‌های مهر و موم شده، محصور شود و تنها به دستور و صلاحیت قاضی باز و ارائه گردد (Kerly et al., 2014). در واقع، طرفین می‌توانند افشای دلیل را قراردادی و توافقی نمایند که به آن «افشای دلیل توافقی» گفته می‌شود؛ بدین شکل که می‌توانند توافق کنند که دامنه افشا را محدود نمایند، به‌عنوان نمونه تعداد سؤالات در استجواب را کاهش دهند یا برخی از اسناد را مصون از افشا قرار دهند.

به همین ترتیب، برای رفع نگرانی‌ها مبنی بر اینکه هزینه افشا یک‌طرفه است و به یکی از طرفین تحمیل می‌گردد، طرفین می‌توانند توافق نمایند که هزینه‌های افشا را تقسیم کنند یا اینکه درخواست افشا به‌طور خاص اسناد مورد بحث را مشخص و تعیین نماید. در برخی موارد دیگر طرفین ممکن است تصمیم بگیرند که همه درخواست‌های افشای دلیل توسط یک شخص ثالث بی‌طرف تأیید شود؛ افشا را به مبادله اسناد محدود کنند یا حتی افشا را به‌طور

مقررات دینی کشیش کاتولیک را مجبور نمی‌کند که به‌عنوان شاهد در مورد یک سرقت (علیه مقرر) شهادت دهد؛ با این استدلال که انجام این کار به‌حق کشیش جهت انجام آزادانه مذهبش تجاوز می‌کند (Robert & Labbe, 2015) و دیوان عالی نیز این امتیاز را تأیید کرده است (Wittaker, 2000). از آن زمان مصونیت مذکور در دادگاه‌های ایالات متحده اجرا می‌شود؛ چراکه در ماده ۵۰۱ قانون اثبات فدرال آمریکا نیز بر وجود برخی مصونیت‌ها بر طبق عرف و رویه‌های کاملاً تأکید شده است که یکی از رویه‌های قدیمی و شناخته‌شده، مصونیت رابطه کشیش و توبه‌کننده می‌باشد. با وجود پذیرش این نوع از مصونیت در عرف و قانون ایالات متحده، به‌ندرت در دعوی مدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ چراکه دامنه افشای دلیل در این کشور بسیار گسترده است (Hazard & Taruffo, 1993).

در حقوق ایران در خصوص روحانیون (امامان جماعت و مراجع تقلید) و مراجعه‌کنندگان به این اشخاص قانون صریحی وجود ندارد و برخی به ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی استناد کرده و معتقدند که ماده مذکور شامل روحانیون هم می‌شود. در واقع، اگرچه امام جماعت یا مرجع تقلید بودن شغل و حرفه نیست، ولی چون این دست افراد دارای موقعیت اجتماعی هستند و مردم به آنان اعتماد می‌کنند، به این جهت در مراجعات مردم به آنها گاه به اسراری پی می‌برند و محرم اسرار واقع می‌شوند. بنابراین، مشمول ماده قرار می‌گیرند. همچنین معتقدند با توجه به فلسفه جرم‌انگاری ماده ۶۴۸ که برای حفظ ارزش اعتماد عمومی در مراجعات مردم است و اینکه امامان جماعت و مانند آن نیز یک موقعیت اجتماعی می‌باشد که مردم به آنان اعتماد دارند، می‌توان این دست افراد را مشمول ماده دانست. با این حال با استناد به اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و با در نظر گرفتن این امر که چنین محدودیت‌ها و امتیازاتی در خصوص افشای دلیل نیاز به پیش‌بینی صریح قانونگذار دارد، لذا به‌صورت کلی می‌توان بیان کرد که چنین استثنایی در حقوق ایران وجود ندارد.

می‌توانند شروط انتخاب دادگاه رسیدگی‌کننده را مورد توافق قرار دهند یا از اختیار «دعوی گروهی» صرف‌نظر نمایند یا از کارکردهای خاص قانون اثبات فدرال انصراف دهند، هرچند باید توجه داشت که این تصمیمات لزوماً به این معنا نیست که تمام توافقی‌های داوری مجاز قلمداد شود. با این‌وجود طرفین نمی‌توانند توافقی‌هایی را منعقد کنند که صلاحیت دادگاه را گسترش دهد، همچنین طرفین نمی‌توانند از حقوق یا تعهدات دادرسی که کنگره یا ایالات مختلف به صراحت اعلام کرده‌اند که قابل تغییر نیستند، صرف‌نظر نمایند. علاوه بر این توافق خلاف نظم عمومی یا توافق غیرعادلانه ممنوع می‌باشد؛ در برخی دعاوی دادگاه‌ها از «دکترین ناعادلانه بودن» برای بطلان و بی‌اعتباری شروط افشای دلیل توافقی استفاده کرده‌اند که در آن دسترسی یک‌طرف به اطلاعات را به‌طور نامعقولی محدود می‌کنند؛ خصوصاً در مواردی که قدرت چانه‌زنی کاملاً نابرابر بین طرفین وجود دارد. برای مثال در یک دعوی موسوم به *Walker V. Rayan Family Stak* در سال ۲۰۰۲ که به‌موجب آن خواهان‌ها دعوی گروهی را به نمایندگی از عده‌ای از کارگران علیه شرکت سهامی *(Rayan Family)* مطرح کردند. این شرکت با بیش از ۳۰۰ رستوران زنجیره‌ای در بیش از ۲۲ ایالت فعالیت دارد؛ کارمندان سابق در ایالات مختلف ادعا می‌کنند که شرکت مذکور در پرداخت حداقل دستمزد خودداری کرده است. شرکت *(Rayan)* برای رد دعوی خواهان‌ها وارد عمل شد و خواستار صدور قرار شد که خواهان‌ها را مجبور به مراجعه به داور نماید؛ با این استدلال که رسیدگی به ادعاهای خواهان‌ها توسط دادگاه با توافقی‌های داوری که هرکدام در بدو استخدام خود منعقد کرده‌اند، منع شده است. در اکتبر ۲۰۰۳ دادگاه منطقه تنسی، درخواست شرکت مذکور را رد کرد؛ زیرا معتقد بود که توافقی‌های داوری به دلیل «عدم صلاحیت رسیدگی» موافقت‌نامه‌های داوری، دارای مشخصه‌های شروط قرارداد الحاقی غیرمنصفانه است و با رضایت متقابل طرفین پایه‌گذاری نشده است و خواهان‌ها نیز آگاهانه و داوطلبانه از حقوق اساسی خود در دادرسی هیئت‌منصفه صرف‌نظر نمی‌کنند. دادگاه همچنین اعلام کرد که مجمع داوری پیش‌بینی‌شده در توافقی‌نامه‌ها

کامل حذف کنند. به‌طور خلاصه افشای دلیل قراردادی می‌تواند روش‌های مختلفی را برای شکل دادن به فرایند افشا برحسب نیازهای طرفین دعوی ارائه دهد.

به‌رغم مزایایی مانند کاهش هزینه‌ها، افشای قراردادی حتی در مواردی که طرفین رابطه قراردادی قبلی داشته باشند ممکن است در پیش‌بینی نیازهای افشای دلیل در خصوص دعوی که هنوز به وجود نیامده است با مشکل مواجه شوند. با این‌حال باید یادآور شد که طرفین قرارداد آزادی قابل توجهی در تغییر مقررات افشای دلیل پیش‌فرض در دعوی دادگستری و داوری را دارا می‌باشند، هرچند این آزادی نه نامحدود است و نه در قانون به‌خوبی مشخص شده است (Erickson, 2019). آیین دادرسی مدنی فدرال معمولاً در دادگاه‌های فدرال راهنمایی‌های جزئی درباره دامنه افشای دلیل توافقی ارائه می‌نماید. ماده ۲۹ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «در غیر مواردی که دادگاه دستور دیگری صادر می‌نماید، طرفین دعوی می‌توانند (در مورد افشای دلیل) توافق نمایند که سایر قوانین حاکم یا محدودکننده افشا تغییر یابند». در یادداشت‌های کمیته مشورتی ۱۹۷۰ که همراه با اضافه کردن این عبارت بود، عنوان شده که حداقل در آن زمان این یک‌رویه معمول و رایج برای طرفین جهت توافق در خصوص این تغییرات بوده است، اما این تحلیل دو عارضه احتمالی و اثر سوء ماده ۲۹ را نادیده می‌گیرد: نخست اینکه این قانون صریحاً به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد طرفین را در استفاده از افشای قراردادی محدود کنند؛ دوم و به‌طور قابل‌توجه‌تر در اصطلاح توافق معمولاً به موافقت‌هایی اطلاق می‌شود که در جریان دعوی مطروحه صورت گرفته است نه توافقی‌های قبل از تشکیل پرونده و طرح دعوی، هرچند نحوه بیان و تاریخچه قانونگذاری ماده ۲۹ مشخص نمی‌کند که آیا این ماده فقط توافقی‌نامه‌های افشای دلیل را پیش از تشکیل پرونده مجاز می‌داند یا خیر. بر این اساس یک دیدگاه آزاد و سؤال‌باز این است که آیا قانون آیین دادرسی مدنی فدرال و مشخصاً ماده ۲۹ توافقی‌نامه‌های قبلی را برای تغییر روش‌های افشا مجاز می‌داند یا خیر. با این‌حال بسیاری از حقوقدانان معتقدند که توافق به‌طور کلی مجاز است، به علاوه اینکه دیوان عالی کشور نیز صریحاً اعلام کرده است که طرفین

ممکن نیست و باید آن را خارج از قلمرو قراردادهای خصوصی دانست، با این حال مواردی وجود دارد که می‌توان به تخییری بودن آنها نظر داد. برای نمونه ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی در زمینه انتخاب کارشناس بیان می‌دارد: «طرفین دعوی در هر مورد که قرار رجوع به کارشناس صادر می‌شود، می‌توانند قبل از اقدام کارشناس یا کارشناسان منتخب کارشناس یا کارشناسان دیگری را با تراضی انتخاب و به دادگاه معرفی نمایند. در این صورت کارشناس مرضی‌الطرفین به جای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می‌شود، ممکن است غیر از کارشناس رسمی باشد».

ملاحظه می‌شود که طرفین می‌توانند کارشناسان را به تراضی انتخاب نمایند یا حتی به کارشناسی اشخاصی تراضی کنند که جزو کارشناسان رسمی نباشند. همچنین در موضوع تحقیقات محلی که طرفین می‌توانند به گواهی افراد خاص و معینی تراضی نمایند؛ همچنان که ماده ۲۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد: طرفین دعوی می‌توانند اشخاصی را برای کسب اطلاع از آنان در محل معرفی و به گواهی آنان تراضی نمایند. متصدی تحقیقات صورت اشخاصی را که اصحاب دعوی انتخاب کرده‌اند نوشته و به امضای طرفین می‌رساند.

همچنین موادی از قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ وجود دارد که می‌توان افشای دلیل توافقی را از آنان استنباط کرد؛ هرچند به طور مستقیم به موضوع افشای دلیل نمی‌پردازد. بند ۱ ماده ۱۹ قانون مذکور در خصوص نحوه تعیین قواعد رسیدگی می‌باشد. بر اساس این بند طرفین می‌توانند نسبت به آیین و روش رسیدگی داوری به شرط رعایت مقررات آمره توافق کنند که این موضوع نشانگر اختیار متعاقدین یا اصحاب دعوی جهت تعیین مقررات شکلی است. طبق ماده ۲۱ همین قانون طرفین می‌توانند توافق کنند که از ارائه برخی از مدارک و اطلاعات به کارشناس خودداری کنند که این امر در جهت محدود نمودن ادله قابل افشا بین طرفین صورت می‌گیرد.

قادر به تأیید مؤثر ادعاها و احقاق حق به طور مناسب نبوده و جایگزین مناسبی برای دادگستری نخواهد بود. دادگاه مشاهده کرد که مجموعه داوران به شکل مغرضانه تشکیل خواهد شد و افشای دلیل محدودی که در این خصوص مورد توافق واقع شده به شکل جانبدارانه‌ای به نفع کارفرما پیش‌بینی شده است. دادگاه همچنین تشخیص داده که به نظر می‌رسد موافقت‌نامه داوری، طرح دعوی گروهی را منع می‌کند که این امر باعث می‌شود کارمندان انگیزه چندانی برای پیگیری ادعاهای فردی با ارزش پولی نسبتاً پایین را نداشته باشند (Ware, 2016).

بنابراین، می‌توان به صورت خلاصه بیان کرد با توجه به اینکه ممنوعیت‌های قانونی در این زمینه تعیین نشده است، افشای دلیل توافقی قاعداً در سیستم حقوقی ایالات متحده مجاز است. این موافقت‌نامه‌ها و شروط مشمول قواعد سنتی و کلاسیک قراردادی خواهند بود؛ لذا نمی‌تواند غیرمنصفانه بوده یا خلاف نظم عمومی باشد. با این وجود طرفین قرارداد اختیارات گسترده‌ای دارند تا شروط خود را برای اداره نحوه افشای دلیل در هرگونه دعوی احتمالی آینده بین خود تنظیم نمایند.

در خصوص بررسی محدودیت ناشی از توافق طرفین نسبت به افشای دلیل در حقوق ایران نخست لازم است به حدود نفوذ اراده طرفین در انتخاب قواعد ادله اثبات پرداخت. اصولاً قواعد حقوقی باهدف استقرار نظم و عدالت اجتماعی وضع شده‌اند و رعایت آنها الزامی است، ولی این الزام در همه قواعد حقوقی به یک اندازه نیست و گاه اشخاص می‌توانند به وسیله قراردادهای خصوصی از اجرای پاره‌ای از آنها خودداری کنند. بدین سان اجرای بخشی از قواعد حقوقی که به طور مطلق الزامی هستند امری و بخش دیگر تخییری یا تکمیلی می‌باشند.

در خصوص قواعد ادله اثبات دعوی به طور خلاصه می‌توان بیان کرد که چگونگی ارائه و به‌کارگیری دلیل و دفاع در برابر آن و چگونگی تحصیل دلیل از موضوعات شکلی است؛ چنین قواعدی به دلیل ارتباط تنگاتنگی که بانظم دادرسی دارند، اصولاً جزو قواعد امری محسوب می‌شوند و به همین جهت توافق برخلاف این دسته از قواعد

نپذیرد یا اینکه دامنه آن را محدود نماید. بدین صورت که طرفین می‌توانند از دادگاه درخواست نمایند که دستورهای محافظتی را به نفع آنان صادر نماید؛ یعنی درخواستی برای حفاظت از اطلاعاتی که اگرچه جزو اطلاعات مصون و ممتاز نیستند، بلکه افشای آن موجب آزار و یا تحمیل هزینه‌های ناروا علیه دارنده می‌شود.

این موضوع در حقوق آمریکا تحت عنوان «قرارهای محافظتی» یا حمایتی مطرح شده است. در واقع، قرار حمایتی قرار می‌گیرد است که توسط دادگاه در دعوی حقوقی صادر می‌شود و از طرف دعوی برای افشای اطلاعات، اسناد، داده‌ها یا انواع دیگر ادله در برابر متقاضی افشای دلیل، محافظت می‌نماید. دادگاه با در نظر گرفتن مبلغ مورد منازعه، دلایل طرفین دعوی، اهمیت موضوعات مطروحه در دادرسی، کیفیت کشف اسناد پیشنهادی در حل موضوعات، اقدام به صدور قرار مقتضی می‌نماید. برخی از قرارهایی که در این زمینه ممکن است صادر شود از این قبیل است: ۱. افشا اصلاً انجام نشود؛ ۲. افشا می‌تواند با شرایط معینی از جمله زمان یا مکان خاصی انجام شود؛ ۳. موضوعات معینی مورد بررسی قرار نگیرند یا به موضوعات خاصی محدود شوند.

قسمت ۲ (A) از پاراگراف b ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا بیان می‌دارد: به موجب قرار، دادگاه می‌تواند محدودیت‌های موجود در این قوانین را در خصوص تعداد شهادت (سؤالات) و یا استجواب یا مدت زمان استماع شهادت به موجب ماده ۳۰ تغییر دهد. سپس قسمت ۲ (B) از پاراگراف مذکور مقرر می‌دارد: «طرف دعوی مکلف به افشای اطلاعات الکترونیکی ذخیره‌شده از منابعی که دشوار و مشقت‌بار است یا هزینه زیاد و ناعادلانه‌ای دارد، نخواهد بود». بنابراین طرفی که دلیل را در اختیار دارد، می‌تواند در مقابل درخواست افشای دلیل از دادگاه بخواهد که قرار محافظتی به نفع وی صادر شود تا از الزام به افشا معاف گردد.

در حقوق ایران مواردی از محدودیت ناشی از نظر دادگاه را می‌توان یافت؛ در موادی از قانون آیین دادرسی مدنی این نوع محدودیت قابل استنباط است همچنان که ماده ۲۱۱ قانون مذکور بیان می‌دارد: «اگر ابراز سند در دادگاه مقدور

از این موارد می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگرچه اداره شایسته قضا تا حدودی مربوط به منافع عمومی است و قواعد مربوط به ادله آن را تضمین می‌کند، اما از این امر نمی‌توان نتیجه گرفت دعوی که در آن تنها حق اصحاب دعوی مطرح است، دلایل دعوی به نظم عمومی تبدیل شود. با این‌همه باید اذعان کرد که توافق نسبت به قواعد مربوط به ادله بی‌حدومرز نیست و هرگاه حقی مطرح باشد که طرفین نسبت به واگذاری آن اختیاری ندارند توافق بی‌اثر است؛ به‌عنوان مثال در جایی که دلیل مشخصی شایسته استناد است (ماده ۴۸ قانون ثبت) تنها همین دلیل باید لحاظ شود. لذا در طرق بهره‌گیری از ادله اثبات دعوی باید تا حدودی حاکمیت اراده طرفین را نافذ شمرد؛ مانند اینکه طرفین دعوی از قبل می‌توانند اختلافات ناشی از قراردادهای مالی خود را تنها با سند یا گواهی شهود اثبات نمایند و از این طریق استناد به سایر ادله را از خود سلب نمایند. بنابراین، با استناد به اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی بر امور موضوعی این اندازه دخالت اشخاص در سرنوشت خود با هیچ نظمی مغایر نیست و در صورت بروز اختلاف و طرح دعوی، طرفین نمی‌توانند نقض عهد کرده و خارج از چارچوب توافق به دلیلی استناد نمایند و یا اینکه برخلاف توافق از طرف مقابل بخواهند که دلیل مذکور را به نفع ایشان ارائه دهد. ملاحظه می‌شود که در حقوق ایران همانند آمریکا طرفین دعوی می‌توانند افشای برخی از ادله را محدود کرده و آن را جزو اطلاعات ممتاز محسوب نمایند و از ارائه دلایل مذکور به نفع طرف مقابل یا دیگر اشخاص صرف نظر کنند.

۳. مصونیت ناشی از تصمیم دادگاه

مواردی وجود دارد که دادگاه در واکنش به درخواست افشای دلیل تشخیص می‌دهد که افشای اطلاعات و دلایل ضروری نیست یا زائد بوده و یا اینکه نسبت به اهمیت آن در دعوی مطروحه مشکل و پردردسر می‌باشد، در این صورت به تشخیص خود و یا به درخواست طرفین می‌تواند درخواست افشا را محدود کند. در برخی موارد دادگاه تشخیص می‌دهد که درخواست افشا بی‌موقع، زیاد از حد گسترده و یا مشقت‌بار است در این صورت می‌تواند آن را

ابراز سند را از دادگاه درخواست نمایند. باید توجه داشت که تنها در صورتی اشخاص مذکور در ماده فوق می‌توانند در این خصوص همکاری نکنند که ابراز آنچه را که لازم و راجع به موضوع اختلاف است با مصالح سیاسی کشور و ... منافی بدانند که در این صورت به تشخیص و دستور دادگاه، مدیر دفتر یا دادرس با حضور در محل آنچه را که لازم و راجع به موضوع اختلاف باشد، خارج‌نویسی می‌نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

در تمام انواع دادرسی و من جمله دادرسی مدنی، امر اثبات ادعا از اهمیت فراوانی برخوردار است تا جایی که نتیجه دعوا در گرو ارائه ادله اثباتی است. از حیث تحمل بار اثبات ادعا، یک قاعده جهان‌شمول و منطقی آن است که بار اثبات ادعا بر عهده مدعی قرار گیرد. با این حال، گاهی اوقات دلیلی که برای اثبات یا رد یک ادعا لازم است، در اختیار شخص نبوده، بلکه در اختیار طرف مقابل یا شخص ثالث می‌باشد. در این صورت، مکانیسمی تحت عنوان افشای دلیل در برخی از قوانین همانند قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا پیش‌بینی شده است. افشای دلیل فرایندی است که به موجب آن، به درخواست یکی از طرفین دعوا، طرف مقابل یا شخص ثالث ملزم می‌شود ادله و اطلاعات مرتبط با دعوا را که در مالکیت، تصرف یا کنترل دارد، به نفع متقاضی ارائه دهد.

در بخش پنجم و ششم قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا (مواد ۲۶ تا ۳۷ این قانون) بحث افشای دلیل به‌عنوان یک تکلیف قانونی پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده ۲۶ این قانون، نه تنها طرفین دعوا بلکه اشخاص ثالث نیز مکلف‌اند که در فرایند افشا و ارائه دلیل شرکت کرده و برای کشف حقیقت همکاری نمایند.

در قانون آیین دادرسی مدنی ایران باب مستقلی به موضوع افشای دلیل اختصاص نیافته است و تنها می‌توان به‌صورت پراکنده مواردی را به‌عنوان مصداق تکلیف به افشای دلیل استنباط کرد. برای نمونه می‌توان به مواد ۲۰۹، ۲۱۰ و ۲۱۲ قانون مذکور در زمینه ارائه اسناد اشاره نمود که برحسب مواد مزبور، خودداری شخص از ارائه سند

نباشد یا ابراز تمام یا قسمتی از آن یا اظهار علنی مفاد آن در دادگاه برخلاف نظم یا عفت عمومی یا مصالح عامه یا حیثیت اصحاب دعوی یا دیگران باشد، رئیس دادگاه یا دادرس یا مدیر دفتر دادگاه از جانب او در حضور طرفین آنچه را لازم و راجع به مورد اختلاف است خارج‌نویسی می‌نمایند».

در ماده ۲۱۲ قانون مذکور نیز آمده است: هرگاه سند یا اطلاعات دیگری که مربوط به مورد دعواست، در ادارات دولتی یا بانک‌ها یا شهرداری‌ها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس و اداره می‌شوند، موجود باشد و دادگاه آن را مؤثر در موضوع تشخیص دهد، به درخواست یکی از اصحاب دعوی به‌طور کتبی به اداره یا سازمان مربوطه ارسال رونوشت سند یا اطلاع لازم را با ذکر موعد، مقرر می‌دارد. اداره یا سازمان مربوط مکلف است فوری دستور دادگاه را انجام دهد، مگر اینکه ابراز سند با مصالح سیاسی کشور و یا نظم عمومی منافات داشته باشد که در این صورت باید مراتب با توضیح لازم به دادگاه ارائه شود. در صورت امتناع، کسی که مسئولیت ارائه سند متوجه او است پس از رسیدگی در همین دادگاه و احراز تخلف، به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در حقوق ایران همانند حقوق آمریکا اگر دادگاه تشخیص دهد که درخواست افشا، مشقت‌بار یا غیرمقدور بوده یا اینکه ارائه دلیل نسبت به اهمیت موضوعات مطروحه در دادرسی مشکل باشد یا موجب لطمه به حیثیت اصحاب دعوی یا دیگران شود یا اینکه ابراز سند با مصالح کشور یا نظم عمومی مخالف باشد، اقدام به جواز عدم ابراز ارائه اسناد خواهد کرد. در واقع، این محدودیت طبق نظر و تصمیم دادگاه است؛ چراکه در نهایت جواز عدم ابراز باید از سوی دادگاه تشخیص داده‌شده و صادر گردد.

بنابراین، شخص طرف دعوی (اعم از بازرگان یا غیر بازرگان و ...) یا اشخاص ثالث مذکور در ماده ۲۱۲ (ادارات دولتی، بانک‌ها، شهرداری‌ها و مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس و اداره می‌شوند) می‌توانند با ارائه دلیل، جواز عدم

اطلاعات، مصداق مصونیت ناشی از توافق طرفین تلقی می‌شود. این نوع مصونیت مبتنی بر توافقی است که به منظور حفاظت از اطلاعات محرمانه و اسرار تجاری و سایر اطلاعات مصون از افشار در یک دعوای حقوقی محقق شده است. در حقوق ایران همانند حقوق آمریکا طرفین دعوی می‌توانند افشای برخی از ادله را محدود نموده و آن را جزو اطلاعات مصون از افشا محسوب نمایند.

دسته سوم از استثنائات، مصونیت ناشی از تصمیم دادگاه است؛ بدین معنا که در برخی موارد دادگاه در واکنش به درخواست افشای دلیل تشخیص می‌دهد که افشای اطلاعات و دلایل ضروری نیست یا زائد بوده یا اینکه نسبت به اهمیت آن در دعوای مطروحه مشکل و مشقت‌بار می‌باشد که در این صورت، به تشخیص خود و یا به درخواست طرفین می‌تواند تکلیف به افشای دلیل را محدود نماید. به‌عنوان نمونه، اگر دادگاه تشخیص دهد که درخواست افشای دلیل، غیرضروری، مشقت‌بار یا زیاد از حد گسترده است، می‌تواند آن را نپذیرد یا اینکه محدوده آن را کاهش دهد.

در موادی از قانون آیین دادرسی مدنی ایران نیز نمونه‌هایی از محدودیت افشای دلیل ناشی از تصمیم دادگاه وجود دارد؛ به‌عنوان مثال ماده ۲۱۱ قانون مذکور بیان می‌دارد اگر ابراز سند در دادگاه مقذور نباشد یا ابراز تمام یا قسمتی از آن یا اظهار علنی مفاد آن در دادگاه برخلاف نظم یا عفت عمومی یا مصالح عامه یا حیثیت اصحاب دعوا یا دیگران باشد، رئیس دادگاه یا دادرس یا مدیر دفتر دادگاه از جانب او در حضور طرفین آنچه را لازم و راجع به موضوع اختلاف است، خارج‌نویسی می‌کند. همچنین، برحسب ماده ۲۱۲، اگر ابراز سند خلاف مصالح سیاسی کشور یا نظم عمومی باشد، دادگاه جواز عدم ابراز سند را ارائه خواهد داد.

می‌تواند از جمله فراین مثبت ادعای طرف تلقی شود. همچنین، ماده ۲۱۲ تکلیف به ارائه اسناد و اطلاعات مرتبط با دعوا را بر عهده برخی از اشخاص ثالث (اشخاص حقوقی حقوق عمومی) قرار داده است.

مسئله قابل بحث دیگر در خصوص محدوده و گستره افشای دلیل است؛ بدین معنا که آیا شخص ملزم است هر نوع دلیلی را که در اختیار دارد ارائه دهد یا اینکه از این حیث، محدوده و استثنایی وجود دارد؟ در حقوق آمریکا محدوده افشای دلیل گسترده است و قانون آیین دادرسی مدنی فدرال طیف گسترده‌ای از اطلاعات را برای افشا مجاز می‌داند. در این کشور مقررات ناظر به تکلیف به افشای دلیل به‌طور موسع تفسیر می‌شود و طرفین دعوا می‌توانند کم‌وبیش هر دلیل و مدرکی را که به‌طور منطقی منجر به افشای دلیل شود و پذیرفتنی باشد را درخواست نمایند که از حد استاندارد افشای دلیل فراتر به نظر می‌رسد. با این حال، افشای دلیل در حقوق آمریکا بدون استثنا و محدودیت نخواهد بود؛ چراکه برخی از اطلاعات و ادله از محدوده افشای دلیل مستثنا شده‌اند. به‌طور کلی، استثنائات افشای دلیل را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: دسته اول از این مصونیت‌ها روابط بین افراد خاص را در برمی‌گیرد که اغلب در نصوص قانونی مختلف پیش‌بینی شده و قانونگذار به عنوان قاعده مربوط به نظم عمومی از آنان حمایت می‌کند. در یک‌سوی این رابطه کسانی هستند که به مناسبت شغل و حرفه خود و نیازی که جامعه به آنان دارد، محرم اسرار مردم می‌شوند و مردم اسرار شخصی و اطلاعات خود را در اختیار آنان قرار می‌دهند از قبیل رابطه وکیل و موکل، پزشک و بیمار، کشیش و مقرر. علاوه بر موارد فوق، طرفین دعوا می‌توانند توافق‌نامه رازداری منعقد کرده و بدین‌وسیله از افشای ادله و اطلاعات خودداری نمایند که این دسته از

References

- Anderson, T., Schum, D., & Twining, W. (2005). *Analysis of evidence*. Cambridge University Press.
- Bevan, N. R. (2008). *Civil law and litigation for Paralegal*. Linda Schreiber.
- Dibafar, Soheila, Morteza, Shahbazinia, and Fereydoun Nahrini. (No date).

“The law Governing Evidence of Claim in Private International Law (A Comparative Study in Iranian and English Law)”. *Quarterly Journal of Comparative Law Research*, Vol.24, No. 3, p. 71, quoted by Seyyed Mohsen Sadrzadeh Afshar, Abdullah Shams, Abdullah Khodabakhshi. (In Persian).

- Erickson, J. (2019). Bespoke discovery. *Richmond School of Law*, 71(6).
- Field, R., Kaplan, B., & Kevin, C. (2020). *Civil procedure* (9th edition ed.). Wolters Kluwer.
- Ghomashi, Saeed. (2006). "Investigation of the Crime of Disclosure of Professional Secrets". *Journal of Litigation*, No. 58, Year 10. (In Persian).
- Glannon, J. (2019). *The Glannon Guide to civil procedure* (7th edition ed.). Wolters Kluwer.
- Hazard, G. C., & Taruffo, M. (1993). *American Civil Procedure*. Yale University Press.
- Katouzian, Nasser. (2011). *Lessons from Specific Contracts*. Volume 2, Tehran: Ganj Danesh Publications. 16th Edition. (In Persian).
- Katouzian, Nasser. (2000). *Introduction to the Science of Law*. 34th Edition, Tehran, Publishing Sahami Company. (In Persian).
- Katouzian, Nasser. (2011). *Proof and Evidence*. Volume 1, Mizan Publications, 7th Edition. (In Persian).
- Kerly, P., Banker, J., & Sukys, P. (2014). *Civil Litigation* (8th edition ed.). Cengage Learning.
- Robert, R., & Labbe, A. (2015). The Clergy-Penitent Privilege: An overview. *FDCC Quarterly*.
- Scheidlin, S. A. (2009). *Electronic discovery and digital evidence* (2th edition ed.). West Academic Publishing.
- Shams, Abdullah. (2014). *Rules of Evidence*. Derak Publications. 25th Edition. (In Persian).
- Shams, Abdullah. (2014). *Rules of Civil Procedure*. Volume 3, Derak Publications. 25th edition. (In Persian).
- Spahn, T. E. (2013). *A Practitioner's Summary Guide to the Attorney-Client Privilege and the Work Product Doctrine*. Mc Guirewoods LLP.
- Summers, R. (1999). "Formal Legal Truth and Substantive Truth in Judicial Fact-Finding. Their Justified Divergence in Same Particular Cases, Cornell Law Faculty publication". *Law and Philosophy*.
- Ware, S. J. (2016). "The centrist Case Against Current (Conservative) Arbitration Law". *Florida Law Review*, 68.
- Wittaker, L. (2000). The Priest-Penitent Privileged: Its Constitutionality and Doctrine. *Regent University Law Review*, 13(145).